

کالبد شکافی تاثیرات کرونا در سطح جهانی

میر ابراهیم صدیق^۱

الناز نیک سرشت^۲

چکیده:

از زمان اپیدمی ویروس کرونا نظریه‌ها و نگرش‌های مختلفی نسبت به تاثیرات کرونا بر نظام جهانی ارایه شده است. بالطبع هر اندازه که کرونا گستره زمانی و مکانی بیشتری می‌یابد، این تاثیرات بیشتر می‌شود. گرچه این نگرش و تحلیل‌ها در فضای اپیدمی کرونا ارایه شده است، ولی بیانگر برخی از واقعیات جامعه جهانی بخصوص نظام لیبرال دموکراسی و سرمایه داری است. در واقع این تحلیل‌ها با احتمالات و حدس‌ها مواجه است. از سوی دیگر برخی از رویکردها با شائبه‌های سیاسی و یکجانبه‌گرایی مواجه است. به طور کلی هدف و سوال اصلی این پژوهش بررسی تاثیرات کرونا بر ساختارهای جهان کنونی است. تاثیرات کرونا بر نظام جهانی را می‌توان در چارچوب نگرش‌های خوشبینانه، بدبینانه و واقع بینانه مورد بررسی قرار داد. در این راستا می‌توان به زوال لیبرال دموکراسی، پایان سرمایه داری، عقب نشینی از جهانی شدن، زوال قدرت امریکا، افزایش رقابت-های بیوتروویستی در جهان، قطب بندی نوین در جهان و... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: کرونا، جهانی شدن، لیبرال دموکراسی، امریکا، اقتصاد

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران: نویسنده مسئول

e.seddigh@gmail.com

^۲ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مسایل ایران، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

el.nikseresht@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲

مقدمه

تاثیرات کرونا در سطح جهانی را می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد. البته باید خاطر نشان کرد که هرگونه تحلیل از تاثیرات کرونا بر مسایل جهانی بصورت کوتاه مدت، احساسی و در فضای مه آلود است. در واقع زمانی می‌توان از تاثیرات واقعی و بنیادین سخن گفت که جامعه جهانی از وضعیت اپیدمی و هیجانی خارج شده باشد. بنابراین بخش عمده‌ای از تحلیل‌ها پیرامون تاثیرات کرونا با احتمالات مواجه است. تاثیرات کرونا بر جامعه جهانی را می‌توان در سطوح مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و از نگرش‌های خوش بینانه و بدبینانه تبیین نمود.

بیوتروریسم

عمر و نفوذ تئوری‌های توطئه به میزان کارکرد سیاسی و اجتماعی و روان‌شناختی‌شان ربط دارد. مانند همه موارد این نوع نظریه‌ها طبعاً بحث علمی گسترده‌ای نیز در حواشی آن شکل می‌گیرد و تا سال‌ها و دهه‌ها ادامه می‌یابد. هنوز بحث است که برج‌های تجارت جهانی خود ویران شد یا در پی برج‌ها مواد منفجره کار گذاشته بودند و هنوز بحث است آیا آرمسترانگ به ماه رفت یا کلاً همه چیز نمایش و جلوه‌های ویژه بود. شیوع ویروس کرونا، زمینه مناسبی را برای گسترش تئوری‌های توطئه نیز پدید آورده است. در این میان، تئوری‌های توطئه نه تنها بر رویکرد انسانها در مواجهه با ویروس کرونا اثر می‌گذارند بلکه بر نگاه اجتماعی آنها نیز تاثیرگذار هستند و می‌توانند منجر به تقویت خشونت در جامعه شوند. "ویروس کرونا" به شیوع و گسترش خود در کشورهای اقصی نقاط جهان ادامه می‌دهد. موارد جدیدی از ابتلا به این ویروس در کشورهای مختلف، لحظه به لحظه گزارش می‌شوند. با این حال، اینگونه به نظر می‌رسد که تئوری‌های توطئه نیز، با همان سرعتی که ویروس کرونا شیوع پیدا می‌کند، گسترش می‌یابند. تئوری‌هایی که ادعا می‌کنند بازیگران قدرتمند جهانی در حال طرح ریزی نقشه‌های شومی با استفاده از این ویروس هستند. تحقیقات و مطالعات ما در مورد تئوری‌های توطئه ی مرتبط با مسائل پزشکی نشان می‌دهند که این تئوری‌ها از این ظرفیت برخوردار هستند تا به اندازه شیوع یک ویروس، برای جوامع مختلف خطرناک باشند. در این زمینه، یک تئوری توطئه وجود دارد که می‌گوید: "ویروس کرونا در حقیقت یک سلاح بیولوژیک است که توسط سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) مهندسی شده و هدف اصلی آن به راه انداختن جنگ بر علیه چین است". برخی تئوری‌های توطئه دیگر نیز بر این نکته تاکید دارند که "ویروس کرونا ساخته دست دولت‌های آمریکا و

انگلیس است و آنها قصد دارند با معرفی واکسن این بیماری، پول زیادی به جیب بزنند." (تدینی، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۸/۱۲/۱۱)

اگر چه بسیاری از این تئوری‌های توطئه دور از ذهن به نظر می‌رسند، با این حال، این اعتقاد که قدرت‌های شیطانی و شرور، طرحی پنهانی را با استفاده از این ویروس دنبال می‌کنند، به نحو گسترده‌ای در جوامع مختلف به گوش می‌رسد. گسترش اخبار جعلی و تئوری‌های توطئه پیرامون ویروس کرونا، تا حدی به مشکلی بزرگ تبدیل شده که سازمان بهداشت جهانی صفحه‌ای را در فضای مجازی برای مقابله با آنها ایجاد کرده است. این سازمان پیشتر از لفظ "Infodemic" برای توصیف شایعات و اخبار جعلی پیرامون ویروس کرونا استفاده کرده بود. برخی از این نظریات که معطوف به موضوعات اقتصادی هستند عبارتند از؛

کرونا توطئه‌ای علیه چین؟ در این میان عده‌ای گمانه‌زنی می‌کنند فاجعه کرونا ممکن است یک توطئه بشری باشد. در سال ۲۰۱۵ موسسه پریبرایت در انگلستان درخواست ثبت اختراع واکسن، برای نوعی بیماری تنفسی را ثبت کرده است. این واکسن از نمونه ضعیف شده ویروس کرونا ساخته شده است. صرف هزینه زیاد برای ساختن این واکسن اکنون این شبهه را بوجود آورده که ممکن است شیوع بیماری در چین و متعاقباً در سایر کشورها، در حقیقت فراهم کردن بازار بزرگ برای این موسسه باشد. محصولی که اکنون ممکن است به کالای ضروری کل دنیا تبدیل شود. اقدامی که شاید باور آن بسیار سخت باشد. بیل گیتس و فرزندش ملیندا از حامیان مالی این موسسه تحقیقاتی هستند. بدون شک خانواده گیتس همواره در جهت کاهش فقر، نابرابری و جلوگیری از بیماری‌ها سرآمد بوده‌اند. حداقل می‌توان به عنوان یکی از فرضیه‌های احتمالی تحت عنوان "توطئه علیه چین" به آن نگاه کرد. هر چه این بیماری گسترش می‌یابد ضررهای مالی احتمالی بر اقتصاد چین بیشتر و بیشتر می‌شود. بسته شدن حریم هوایی چین و لغو بسیاری پروازها، ممانعت از ورود و خروج توریست‌ها به این کشور تنها بخشی از ضررهای مالی میلیون دلاری این واقعه است. به همین عنوان ساده دقت کنید: «لابراتوارهای اهریمنی!» جذاب و فریبنده نیست؟ حس نمی‌کنید حقیقت بزرگی و مقصران اصلی را افشا می‌کند؟ مگر از یک نظریه چه می‌خواهیم جز شناسایی «مقصر» و افشای «حقیقت»؟ این دست نظریه‌ها و داده‌های غلط باعث شد که رئیس سازمان بهداشت جهانی در سخنرانی‌اش در مونیخ بگوید: «ما هم در برابر اپیدمی می‌جنگیم و هم در برابر داده‌های غلط همه‌گیر (اینفودمی)».

توطئه چین

ابعاد این بیماری تنها به مرزهای چین محدود نشده و روزی نیست که خبری از بروز این بیماری در این و آن گوشه جهان شنیده نشود. در این میان آنچه قابل توجه به نظر می‌رسد بازار داغ اتهام زنی درباره علل و عوامل بروز این بیماری است. تام کاتن سناتور جمهوری خواه آمریکایی همچنان بر توطئه آمیز بودن انتشار ویروس کرونا اصرار دارد. به گزارش پایگاه اینترنتی نشریه واشنگتن پست، سناتور آمریکایی تام کاتن بار دیگر بر روی نظریه خود که بر اساس آن مدعی است که گسترش مداوم ویروس کرونا به تحقیق در یک مرکز تحقیقات بیماری‌ها در شهر ووهان (Wuhan) در چین مرتبط است، تاکید کرد. آزمایشگاه در نزدیکی یک مرکز خرید است که برخی از دانشمندان معتقدند که نقطه شروع شیوع ویروس بوده است. ما همچنین می‌دانیم که این آزمایشگاه تنها چند کیلومتر با آن مرکز خرید مواد غذایی فاصله دارد. این تنها آزمایشگاه فوق العاده ایمنی سطح ۴ چین است که در مورد بیماری‌های عفونی انسان تحقیق می‌کند. رسانه‌های روسیه تئوری‌های توطئه را علیه آمریکا در انتشار ویروس کرونا مطرح می‌کنند. پایگاه اینترنتی فارن پالیسی در تحلیلی نوشت: با شیوع این ویروس در سراسر جهان، تئوری‌های توطئه در همه جا از هند گرفته تا استرالیا مطرح شده است. اواخر ماه ژانویه، رهبر حزب دموکرات لیبرال روسیه به راديو مسکو گفت فکر می‌کند ویروس کرونا سلاح بیولوژیکی آمریکا یا توطئه بزرگ شرکت‌های داروسازی برای پولدارتر شدن است... موضوع اصلی این روایت‌ها که در رسانه‌های روسیه منتشر می‌شود این است که این ویروس محصول آزمایشگاه‌های آمریکا است و هدف آن به زانو درآوردن توسعه اقتصادی چین است. (شبکه خبر، ۲۹ بهمن ۱۳۹۸)

تاثیرات کرونا

اقتصادی

سقوط بازارهای جهانی

شیوع کرونا در بیشتر کشورها بازار بورس آنها را با سقوط مواجه کرد. شاخص داو جونز در بازار سهام آمریکا بزرگترین رقم افت روزانه در طول تاریخش را داشت. شاخص نیکی ژاپن هم برای چندمین روز متوالی کاهش داشت. روندی مشابه بر دیگر بازارهای آسیایی هم حاکم بوده است. این وضعیت بیشتر ناشی از نگرانی از اثرات کرونا بر آینده اقتصادهای بزرگ جهان است. اما در بازار بورس ایران معادلات کمی متفاوت است. ارزش بورس‌های جهانی از زمان شیوع ویروس کرونا بیشتر از ۱/۵ هزار میلیارد دلار کاهش یافته، اما شاخص کل بورس تهران حدوداً ۲۰ درصد رشد

داشته است. تحلیلگران معتقدند که با توجه به شرایط اقتصادی خاص ایران و تحریم‌های سخت، بازار بورس ماه‌هاست که جذابیت زیادی برای ایرانیان دارد. ورود نقدینگی بسیار زیاد در ماه‌های گذشته نیروی محرک رشد بورس شده و باعث شده تبعات جهانی ویروس کرونا نتواند بازار سهام را تحت تأثیر قرار بدهد. تحلیلگران همچنین معتقدند آینده بازار بورس ایران همچنین تحت تأثیر ورود نقدینگی است اگر روند ورود نقدینگی به بازار متوقف شود، احتمالاً رشد بازار بورس ایران نیز تحت تأثیر کرونا متوقف خواهد شد. اما اگر ورود نقدینگی با همین شیب ادامه یابد، کرونا نیز نمی‌تواند بورس تهران را متوقف کند. (دویچه وله، ۱۳۹۹/۱/۲)

قدرت اقتصادی چین

قطب اقتصادی جدیدی در جهان با شیوع کرونا در حال شکل‌گیری است. «فوربس» می‌گوید کرونا موجب افول سلطه اقتصادی چین و از دست رفتن موقعیت برتر این کشور در عرصه تولید جهانی شده است. به نوشته «فوربس» آثار کابوس کرونا الزاماً محدود به آسیب‌های اقتصادی کوتاه‌مدت نیست، بلکه چالش‌های بلندمدتی است که برای زنجیره عرضه ایجاد می‌شود که آثار این اختلالات شدید در سراسر بخش‌های خودروسازی، الکترونیک، زنجیره عرضه دارو در جهان و... در ماه‌های آتی احساس می‌شود. کروناویروس جدید یا به اصطلاح «کووید-۱۹» احتمالاً به سلطه نزدیک به ۳۰ ساله چین بر فعالیت‌های تولیدی جهان پایان خواهد داد. ولادیمیر سگنورلی، رئیس شرکت تحقیقات سرمایه‌گذاری کلان «تحقیقات برتون وودز» در این رابطه می‌گوید: «استفاده از چین به عنوان قطب اقتصادی جهان، به نظر من در هفته گذشته مُرد.» به گزارش رسانه آمریکایی «فوربس» به دنبال شیوع ویروس کرونا، اقتصاد چین به شدت صدمه دیده است. به نظر می‌رسد آخر هفته گذشته شاخص «وال‌استریت ژورنال» متوجه این واقعیت شده باشد، شاخصی که با به ثبت رساندن بدترین عملکرد خود از بحران مالی ۲۰۰۸، بیش از ۸ درصد سقوط کرد. واقعیت ترسناک‌تر اینکه این ویروس مسری قربانی گرفتن خود را در بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا، آمریکا نیز آغاز کرده است. به منظور مقابله با شیوع ویروس و جلوگیری از بازگشت مردم به مشاغل خود، ۲۳ ژانویه دولت پکن دوره تعطیلات سال نوی چین را افزایش داد. کرونا ویروس اولین بار از یکی از قطب‌های بزرگ اقتصادی چین، استان هوبی (مرکز آن شهر ووهان)، شیوع یافت و به سرعت به مناطق دیگر این کشور سرایت کرد. بر این اساس محدودیت‌های مسافرتی و قرنطینه شدن بیش از ۶۰ میلیون نفر موجب شد فعالیت‌های اقتصادی در این کشور فلج شود. البته ترسناک‌ترین بحران بعد از بحران کرونا، آسیب‌های اقتصادی کوتاه‌مدت آن نیست،

بلکه چالش‌های بلندمدتی است که برای زنجیره عرضه ایجاد می‌کند. به گفته این کارشناس اقتصادی، تولیدکنندگان خودرو و محصولات شیمیایی بیش از بخش‌های دیگر خطوط تولید خود را تعطیل کرده‌اند. نیروی‌های کاری که در بخش فناوری اطلاعات این کشور مشغول هستند نیز همانند بخش‌های دیگر اقتصاد هنوز از هفته گذشته به مشاغل خود باز نگشته‌اند. شرکت‌های کشتیرانی و لجستیکی نیز یکی از بالاترین درصد تعطیلی خطوط تولیدی را در این کشور داشته‌اند. قاضی در این رابطه می‌نویسد: «اثرات نامتناسب این اختلالات شدید در سراسر بخش‌های خودروسازی، الکترونیک و زنجیره عرضه داروی جهان در ماه‌های آتی احساس خواهد شد». در واقع چین در حال از دست دادن موقعیت برتر خود در عرصه تولیدات جهان است. این روند که با سرعت خرس‌های پاندای این کشور، پیشرفت می‌کند عمدتاً به این علت است که شرکت‌ها همواره پایین‌ترین هزینه‌های تولید را در جهان برای خود جستجو کرده‌اند. این جستجو شاید پیرامون هزینه‌های نیروی کار، شاید پیرامون قوانین و مقررات ساده و شاید هم برای عوامل دیگر تولید باشد. در این رابطه اکنون این شرکت مدعی می‌شود هزینه‌ها و محیط مقرراتی کسب و کارها در چین روی نردبان افزایشی بالا می‌رود و دیگر فعالیت اقتصادی در این کشور مقرون به صرفه نیست. به گزارش «فوربس» سرعت پانداوار افول اقتصادی چین در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ شدت گرفت. شرکت‌ها نا اطمینانی از تعرفه‌ها را دوست ندارند، بنابراین سعی می‌کنند منابع مورد نیاز خود را از مناطق دیگر تامین کنند. در این رابطه شعب چینی این شرکت‌ها در حال انتقال خطوط تولید خود به خارج از چین و به کشورهای هم‌چون ویتنام، بنگلادش و سایر کشورهای منطقه جنوب شرقی آسیا هستند. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۱۲/۲۶)

اقتصاد امریکا و جهان

در این وضعیت، ورود ویروس کرونا با آسیب‌های مخرب اقتصادی خود علاوه بر محقق ساختن آرزوی ترامپ پیرامون پایان یافتن دهه‌ها سلطه اقتصادی چین، می‌تواند منتقدان ترامپ که پایان یافتن دوره ریاست جمهوری او را انتظار می‌کشیدند را وادار به تجدیدنظر در مواضع خود مبنی بر وابستگی چند دهه‌ای به اقتصاد چین کند. به گزارش «فوربس» کسب و کارهای خرده‌فروشی محصولات دارویی در بخش‌هایی از اروپا گزارش کرده‌اند که نمی‌توانند ماسک‌های مورد نیاز جراحی شهرهای خود را تامین کنند، چرا که تمامی این ماسک‌ها تولید چین هستند. به نظر می‌رسد ویروس کرونا، آواز قبل از مرگ قوی اقتصاد چین باشد. آنها دیگر نمی‌توانند موقعیت خود را به عنوان تولید کننده ارزان جهان حفظ کنند. به نظر می‌رسد دیگر آن دوران به پایان رسیده

باشد. در صورتی که دونالد ترامپ در انتخابات ماه نوامبر آمریکا دوباره به عنوان رئیس‌جمهوری این کشور انتخاب شود، شتاب این روند می‌تواند شدت گیرد. در این رابطه انتخاب کشور یا کشورهای جدید برای کسب و کارها آسان نخواهد بود. هیچ کشوری در سطح جهان ساختار و مجموعه لجستیکی چین را ندارد. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۱۲/۱۳)

اقتصاد مکزیک

توافق نفتای جدید میان سه کشور آمریکا، مکزیک و کانادا سال گذشته از سوی دونالد ترامپ به امضا رسید، و تاییدیه نهایی خود را از کنگره آمریکا گرفته است. به عقیده کارشناسان مکزیک یکی از بزرگ‌ترین برندگان این توافق است. در وضعیت افول روزافزون چین، به نظر می‌رسد نوبت به نقش‌آفرینی مکزیک در اقتصاد جهان باشد. مکزیک و آمریکا روابط دوستانه و حسنه‌ای دارند، دو کشوری که از لحاظ جغرافیایی همسایه نیز هستند. در این رابطه آندرس مانوئل لوپز اوبرادو، رئیس‌جمهوری مکزیک خواستار تمرکز رونق نیروی کار یدی کشورش شده است. دونالد ترامپ نیز تمایل دارد چنین اتفاقی در اقتصاد آمریکا رخ دهد، به خصوص اینکه این اتفاق به معنی ورود کمتر نیروی‌های کار منطقه آمریکای مرکزی به ایالات متحده باشد. نتایج نظرسنجی سال ۲۰۲۰ شرکت «فولی‌اند لاردنرال‌ال‌پی» که در تاریخ ۲۵ فوریه از ۶۰ مدیر عامل بخش‌های تولیدی، خودروسازی و تکنولوژی جهان صورت گرفت نشان می‌دهد عمده فعالان اقتصادی تمایل دارند کسب و کارهای خود را از کشورهای مختلف جهان به مکزیک منتقل کنند، تمایلی که طی یک تا پنج سال آینده آن را عملیاتی خواهند کرد. چنین تصمیمی به خاطر تنش‌های تجاری میان غول‌های اقتصادی دنیا و نهایی شدن توافق تجاری نفتا میان سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک بوده است. هر چند فاز نخست توافق تجاری میان آمریکا و چین نشانه‌ای مثبت برای کسب و کارهای جهان بوده، اما شیوع کرونا و ویروس نشان داده وابستگی بالا به اقتصاد چین تا چه اندازه خطرناک است. در این رابطه احتمالاً یک ریزش سرمایه‌گذاری از بزرگ‌ترین اقتصاد آسیا به سمت مرزهای مکزیک و آمریکا رخ خواهد داد. یک دوره افزایش در فعالیت‌های اقتصادی و اثرات چندجانبه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تولید ناخالص داخلی می‌تواند منجر شود اقتصاد مکزیک سالانه نرخ رشد ۴/۷ درصدی را تجربه کند». به گزارش «فوربس»، مکزیک در بهترین موقعیت برای بهره‌مندی از تنش‌های ژئوپلیتیک میان آمریکا و چین قرار دارد. مکزیک تنها کشوری است که با هزینه‌های تولید پایین در مرز آمریکا، توافق تجارت آزاد با این کشور دارد. به لطف ۲۵ سال توافق نفتا که توسط دونالد ترامپ پاره شد، مکزیک خود را به عنوان یکی از

بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات خودرویی، الکترونیک، تلویزیون و کامپیوتر جهان معرفی کرده است. مکزیک‌ها محصولات پیچیده‌ای همچون موتورهای هواپیما و نیمه رساناهای میکرونی را تولید می‌کنند. در زمینه تحصیلات مهندسی نیز این کشور در جایگاه هشتم جهان قرار دارد. این خصوصیات در شرایطی است که تمام شرکت‌های چندملیتی در این کشور حضور دارند: جنرال الکتریک آنجا هست، بوئینگ آنجا هست، کیا آنجا هست و... (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۱۲/۱۳)

عمق ترس در اقتصاد جهان

فدرال رزرو برای مقابله با ویروس کرونا ناچار به واکنش اضطراری شد. این نهاد در بیانیه‌ای اعلام کرد برای مقابله با تبعات اقتصادی، نرخ بهره را نیم درصد کاهش می‌دهد. این میزان کاهش از دوره بحران اقتصادی گذشته بی‌سابقه بوده است. کارشناسان اقدام فدرال رزرو را اولین مکانیزم دفاعی سیاست پولی در برابر بحران ناشی از کرونا توصیف می‌کنند. انتظار این بود با کاهش نرخ بهره بازارها تا حدودی آرام شود. اما بلافاصله بعد از اعلام برنامه فدرال رزرو، بازارها برخلاف جهت پیش‌بینی شده حرکت کردند. پس از اینکه فدرال رزرو در اقدامی کم سابقه در شرایط اضطراری نرخ بهره را ۰/۵ درصد کاهش داد تا در برابر اثرات مخرب ویروس کرونا اجتناب کند و با اینکه برخی از سرمایه‌گذاران انتظار داشتند نرخ بهره وارد روند کاهشی شود، با این حال بلافاصله بعد از اجرای این اقدامات بازارها دچار روند نزولی پرنوسانی شدند که شاخص دلار را با حدود ۰/۵ درصد وارد روند نزولی کرد. دلار در برابر ین ژاپن و فرانک سوئیس نزولی شد. همچنین اونس طلا نیز با رشد هفتگی نزدیک به ۴ درصدی در برابر دلار آمریکا، اسکانس پشت‌سبز آمریکایی را به عقب‌گرد وادار کرد. علاوه بر دلار، ریزش بازار سهام آمریکا و معکوس شدن منحنی بازدهی اوراق خزانه از جمله پیامدهای این اقدام بودند. البته افت نرخ تنها به این دلیل نبود. به دنبال کاهش نرخ بهره توسط فدرال رزرو به عنوان اقدامی اضطراری برای حفاظت از بزرگ‌ترین اقتصاد جهان برابر تبعات شیوع ویروس کرونا، شاخص دلار آمریکا سقوط کرد. فدرال رزرو در بیانیه‌ای از کاهش ۰/۵ درصدی نرخ بهره و رساندن آن به محدوده‌ای مابین یک تا ۱/۲۵ درصد خبر داد. فدرال رزرو در حالی اقدام به کاهش نرخ بهره کرد که تنها چند ساعت پیش از آن مقامات اقتصادی گروه جی ۷ اعلام کردند که در راستای دستیابی به رشد اقتصادی قدرتمند و پایدار و همچنین ایمن کردن اقتصادشان در برابر تهدیدهای ناشی از شیوع سریع کرونا، از تمامی ابزار سیاستی مناسب بهره خواهند برد. همزمان با نگرانی دنباله‌دار سرمایه‌گذاران در خصوص تاثیرات اقتصادی ناشی از

شیوع کرونا، ارزش ین ژاپن و فرانک سوئیس برابر دلار بالا رفت. ژاپن بزرگ‌ترین اعتبار دهنده جهان محسوب می‌شود و ین نیز به طور معمول در زمان‌های تنش ژئوپلیتیکی یا مالی، سرمایه‌گذاران را به سوی خود جذب می‌کند. از این رو ارزش آن برابر دلار یک درصد افزایش پیدا کرد و فرانک نیز به عنوان یک سرمایه‌گذاری امن دیگر در زمان بحران، ۰/۷ درصد بالا رفت.

جانشین چین در عصر کرونا

به گزارش «فوربس» کسب و کارهای خرده‌فروشی محصولات دارویی در بخش‌هایی از اروپا گزارش کرده‌اند که نمی‌توانند ماسک‌های مورد نیاز جراحی شهرهای خود را تامین کنند، چرا که تمامی این ماسک‌ها تولید چین هستند. قطب اقتصادی جدیدی در جهان با شیوع کرونا در حال شکل‌گیری است. «فوربس» می‌گوید کرونا موجب افول سلطه اقتصادی چین و از دست رفتن موقعیت برتر این کشور در عرصه تولید جهانی شده است. به نوشته «فوربس» آثار کابوس کرونا الزاما محدود به آسیب‌های اقتصادی کوتاه‌مدت نیست، بلکه چالش‌های بلندمدتی است که برای زنجیره عرضه ایجاد می‌شود که آثار این اختلالات شدید در سراسر بخش‌های خودروسازی، الکترونیک، زنجیره عرضه دارو در جهان و... در ماه‌های آتی احساس می‌شود. کرونا موجب شده فعالیت اقتصادی در کشور چین مقرون به‌صرفه نباشد و این کشور دیگر نمی‌تواند موقعیت خود را به عنوان تولید کننده ارزان جهان حفظ کند. نااطمینانی شرکت‌ها به واسطه جنگ تعرفه‌ها نیز چالش دیگری است؛ به طوری که نگرانی‌ها پیرامون شکست چین و آمریکا در نهایی سازی فاز دوم توافق تجاری، شرکت‌های فعال در چین را مضطرب کرده است. بر این اساس، انتخاب کشور یا کشورهای جدید برای کسب و کارها آسان نخواهد بود؛ چرا که تاکنون هیچ کشوری در سطح جهان ساختار و مجموعه لجستیکی چین را نداشته و تنها تعداد معدودی از کشورها نرخ مالیاتی پایینی به اندازه چین دارند. با این حال، «فوربس» معتقد است یک کشور می‌تواند جانشین چین در عصر کرونا شود. (سایت پرسش، ۱۳۹۸/۱۲/۱۶)

کرونا و ویروس جدید یا به اصطلاح «کووید-۱۹» احتمالا به سلطه نزدیک به ۳۰ ساله چین بر فعالیت‌های تولیدی جهان پایان خواهد داد. استفاده از چین به عنوان قطب اقتصادی جهان، به نظر من در هفته گذشته مُرد» به گزارش رسانه آمریکایی «فوربس» به دنبال شیوع و ویروس کرونا، اقتصاد چین به شدت صدمه دیده است. به نظر می‌رسد آخر هفته گذشته شاخص «وال استریت ژورنال» متوجه این واقعیت شده باشد، شاخصی که با به ثبت رساندن بدترین عملکرد خود از بحران مالی ۲۰۰۸، بیش از ۸ درصد سقوط کرد. واقعیت ترسناک‌تر اینکه این ویروس مسری

قربانی گرفتن خود را در بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا، آمریکا نیز آغاز کرده است. به منظور مقابله با شیوع ویروس و جلوگیری از بازگشت مردم به مشاغل خود، ۲۳ ژانویه دولت پکن دوره تعطیلات سال نوی چین را افزایش داد. ترسناک‌ترین بحران بعد از بحران کرونا، آسیب‌های اقتصادی کوتاه مدت آن نیست، بلکه چالش‌های بلند مدتی است که برای زنجیره عرضه ایجاد می‌کند. به گفته این کارشناس اقتصادی، تولیدکنندگان خودرو و محصولات شیمیایی بیش از بخش‌های دیگر خطوط تولید خود را تعطیل کرده‌اند. نیروی‌های کاری که در بخش فناوری اطلاعات این کشور مشغول هستند نیز همانند بخش‌های دیگر اقتصاد هنوز از هفته گذشته به مشاغل خود باز نگشته‌اند. شرکت‌های کشتیرانی و لجستیکی نیز یکی از بالاترین درصد تعطیلی خطوط تولیدی را در این کشور داشته‌اند. اثرات نامتناسب این اختلالات شدید در سراسر بخش‌های خودروسازی، الکترونیک و زنجیره عرضه داروی جهان در ماه‌های آتی احساس خواهد شد. در واقع چین در حال از دست دادن موقعیت برتر خود در عرصه تولیدات جهان است. این روند که با سرعت خرس‌های پاندای این کشور، پیشرفت می‌کند عمدتاً به این علت است که شرکت‌ها همواره پایین‌ترین هزینه‌های تولید را در جهان برای خود جستجو کرده‌اند. این جستجو شاید پیرامون هزینه‌های نیروی کار، شاید پیرامون قوانین و مقررات ساده و شاید هم برای عوامل دیگر تولید باشد. (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸/۱۲/۱۳)

اقتصاد جهان

در تازه‌ترین گزارش «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه» چشم‌انداز رشد اقتصادی چین به طور قابل توجهی برای ۲۰۲۰ کاهش یافته است: رشد این کشور در پایان سال جاری به زیر ۵ درصد سقوط خواهد کرد. کرونا به پیشروی ادامه می‌دهد. ۷۳ کشور به کرونا آلوده شده‌اند. ۶ نهاد معتبر نسبت به آسیب‌های اقتصادی کرونا هشدار جدی داده‌اند. به گفته این نهادها چشم‌انداز رشد اقتصاد جهان، با نااطمینانی بزرگی مواجه شده است OECD می‌گوید: کرونا، اقتصاد جهان را با خطرناک‌ترین ریسک از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ تاکنون، مواجه کرده است؛ به طوری که رشد اقتصاد جهان می‌تواند به حدود ۱/۵ درصد تقلیل یابد که سطح کم سابقه‌ای محسوب می‌شود. روسای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز در بیانیه‌ای مشترک برای کمک به حل این تراژدی انسانی و چالش‌های اقتصادی ناشی از آن، اعلام آمادگی کردند. رئیس سازمان تجارت جهانی هم اعلام کرد که اثرات ویروس چینی بر اقتصاد جهان، طی هفته‌های آتی بر داده‌های تجاری نمایان خواهد شد. گروه ۷ نیز پیش‌بینی کرد که اختلالی جدی

در فعالیت کسب و کارها رخ دهد. «مک کنزی» شناخته شده ترین شرکت مشاوره مدیریتی در جهان هم معتقد است که شیوع گسترده تر کرونا می تواند افت ۰/۳ تا ۰/۷ درصدی تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۲۰ را موجب شود. شش نهاد معتبر بین المللی همزمان در خصوص آسیب های جدی ویروس کرونا بر اقتصاد و ورود اقتصاد جهان به رکودی بی سابقه هشدار دادند. «سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه» در تازه ترین گزارش «چشم انداز اقتصادی موقت» خود هشدار داده است شیوع کرونا ویروس جدید موسوم به «کووید-۱۹» اقتصاد جهان را با خطرناک ترین ریسک از زمان بحران مالی جهان مواجه خواهد کرد. در حالی که در مدل اولیه این نهاد پیش بینی شده اقتصاد جهان رشد ۲/۴ درصدی را در سال جاری تجربه کند که پایین ترین نرخ از بحران مالی سال ۲۰۰۸ تاکنون است، اما در سناریوی وخیم تر با فرض فراگیر شدن ویروس کرونا در سراسر آسیا، اروپا و آمریکای شمالی، رشد اقتصادی جهان تا سطح بی سابقه ۱/۵ درصد کاهش خواهد یافت، رشدی که نصف نرخ ۳ درصد سال گذشته و پیش بینی ماه نوامبر این نهاد است. همزمان روسای «بانک جهانی»، «صندوق بین المللی پول» و «سازمان تجارت جهانی» نیز با هشدار در خصوص پیامدهای قابل توجه ویروس کرونا بر اقتصاد و تجارت جهان، خواستار همکاری بین المللی برای مقابله با این شرایط شدند. سران مالی هفت اقتصاد بزرگ جهان به اصطلاح «گروه ۷» نیز در تله کنفرانسی مشترک روز سه شنبه از عزم خود برای حفاظت اقتصاد جهان در برابر سقوط بیشتر تأکید کردند. موسسه مطالعاتی مک کنزی نیز از اثرات مخرب ویروس کرونا بر اقتصادها و کسب و کارها پرده برداشته است. (آسیا، ۱۳۹۸/۱۲/۱۴)

وخیم ترین بحران اقتصاد جهان از ۲۰۰۹

همزمان با شیوع کرونا ویروس در نقاط مختلف و به چالش کشیدن اقتصاد جهان، «سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD)» در تازه ترین گزارش «چشم انداز اقتصادی موقت» خود در خصوص پیامدهای اقتصادی ناگوار این ویروس هشدار داده است. به گزارش این سازمان، چشم انداز رشد اقتصادی جهان بسیار نامطمئن است و شیوع کرونا ویروس جدید موسوم به «کووید-۱۹» اقتصاد جهانی را با خطرناک ترین ریسک از زمان بحران مالی مواجه خواهد کرد. در حالی که در مدل اولیه این نهاد پیش بینی شده اقتصاد جهانی رشد تنها ۲/۴ درصدی را در سال جاری تجربه کند - پایین ترین نرخ از بحران مالی ۲۰۰۸ -، اما در سناریوی وخیم تر با فرض فراگیر شدن این ویروس در سراسر آسیا، اروپا و آمریکای شمالی، رشد اقتصادی جهان تا سطح بی سابقه ۱/۵ درصد کاهش خواهد یافت، رشدی معادل نصف نرخ ضعیف ۲/۹ درصدی ۲۰۱۹ و

پیش‌بینی ماه نوامبر این نهاد. با این حال «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه» با در نظر گرفتن اوج شیوع ویروس کرونا تا اواسط بهار و محدود شدن آن در سایر نقاط جهان، و همچنین محو شدن اثرات این ویروس و بهبود تدریجی فعالیت‌های تولیدی، پیش‌بینی می‌کند رشد اقتصادی جهان در سال آینده میلادی، ۲۰۲۱، به سطح ۳/۳ درصد برسد. در این رابطه اقتصادهای اصلی جهان چشم‌اندازهای متفاوتی دارند. در تازه‌ترین گزارش «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه» چشم‌انداز رشد اقتصادی چین به طور قابل توجهی برای ۲۰۲۰ کاهش یافته است: رشد این کشور در پایان سال جاری به زیر ۵ درصد سقوط خواهد کرد. البته در سال آینده، ۲۰۲۱، بزرگ‌ترین اقتصاد آسیا به شرط از بین رفتن کرونا، روندی رو به بهبود خواهد یافت و رشد اقتصادی آن می‌تواند تا سطح ۶/۵ درصد افزایش یابد. بر این اساس چشم‌انداز و روند اقتصادی مشابهی را می‌توان برای کشورهای که ارتباطات قوی با چین دارند متصور بود؛ نظیر ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و اندونزی. در طرف مقابل، اثرات ویروس کرونا بر سایر اقتصادهای عضو این سازمان که یکپارچگی کمتری با چین دارند مانند آمریکا و کانادا ملایم‌تر خواهد بود، هر چند مخدوش شدن اطمینان، اخلاص در زنجیره عرضه و تضعیف تقاضای خارجی می‌تواند چشم‌انداز رشد این اقتصادها را نیز با چالش مواجه سازد. چشم‌انداز رشد جهان در صورت به وقوع پیوستن ریسک‌های منفی، ضعیف‌تر خواهد بود. اصلی‌ترین ریسک اقتصاد جهان در میان مدت ماندگار و شدیدتر بودن اثرات ویروس کرونا نسبت به پیش‌بینی‌ها است. در صورت شیوع گسترده این ویروس در مناطق آسیا - پاسیفیک یا اقتصادهای پیشرفته اصلی نیم کره شمالی، اثرات مخرب نگران‌کننده‌ای متوجه رشد و تجارت جهان خواهد بود. در این سناریو پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصاد جهانی تا سطح ۱/۵ درصد در ۲۰۲۰ کاهش یابد، سناریویی که در آن اقتصادهای بزرگ جهان وارد رکود خواهند شد. در کنار ویروس کرونا، سایر ریسک‌های تهدیدکننده اقتصاد جهانی در سال جاری به شرح زیر است: تنش‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در سطح بالایی قرار دارد و ممکن است وخیم‌تر شود. فاز دوم توافق تجاری آمریکا - چین که به دنبال آن تعرفه‌های باقی مانده برداشته خواهد شد، با چالش‌هایی مواجه است. به علاوه سایر تنش‌های تجاری دو جانبه چشم‌انداز نامطمئنی دارند، به خصوص میان آمریکا و اتحادیه اروپا. شکست در اصلاح و ارتقای سیستم حل اختلافات «سازمان تجارت جهانی» نیز می‌تواند به نااطمینانی‌های سیاستی تجارت جهانی بیفزاید. در صورتی که بریتانیا و اتحادیه اروپا نتوانند به توافق تجارت آزاد دست یابند و روابط تجاری آن در قالب قوانین «سازمان تجارت جهانی» تنظیم شود، چشم‌انداز میان

مدت به طور قابل توجهی ضعیف و پرنوسان خواهد شد. با وجود وضعیت نامطلوب اقتصاد جهان و گستردگی ریسک‌های منفی، چالش‌های میان مدت ناشی از ویروس کرونا نیازهای سیاستی را به سوی مقابله با شیوع این ویروس، تقویت نظام‌های بهداشت و درمان، تقویت اطمینان و تقاضا و محدود کردن اثرات منفی عرضه سوق داده است. در این رابطه گفتمان‌های سیاستی چندجانبه برای توافق بر سر اقدامات سیاسی در جهت محدود کردن شیوع ویروس کرونا و هزینه‌های اقتصادی آن ضروری خواهد بود. در صورت ضعیف‌تر شدن نرخ‌های رشد نسبت به پیش‌بینی‌ها، اقدامات سیاستی هماهنگ درون و مابین اقتصادهای جهانی می‌تواند کارآمدترین و به موقع‌ترین ابزار رسیدگی باشد. (آسیا. ۱۳۹۸/۱۲/۱۴)

پیش‌بینی و ۷ توصیه مک‌کنزی

مک‌کنزی‌اند کمپانی، شناخته شده‌ترین شرکت مشاوره مدیریتی در جهان است. این شرکت آمریکایی به منظور ارزیابی تصمیمات مدیریتی در بخش‌های دولتی و خصوصی تحلیل‌های کیفی و کمی انجام می‌دهد. این شرکت مدیریتی در تازه‌ترین گزارش خود به بررسی پیامدهای کیفی و کمی شیوع ویروس کرونا در سناریوهای مختلف و بر رشد اقتصادی جهان پرداخته است. براساس سناریوی اولیه مک‌کنزی، تداوم شیوع ویروس کرونا در جهان و انتقال به جوامع جدید می‌تواند در نهایت منجر به کاهش ۰/۳ تا ۰/۷ درصدی تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۲۰ شود. در حالی که دیگر مناطق شاهد رشد موارد ابتلا به این بیماری هستند ممکن است که ممنوعیت بر تردها نیز اعمال شود. این ممنوعیت تردد می‌تواند موجب کاهش چشمگیر تقاضاها شود که خود ممکن است به تنزل رشد اقتصادی طی فصل دوم و سوم سال ۲۰۲۰ منتهی شود. اما بهبود سطح تقاضا به کاهش سرعت ابتلا وابسته خواهد بود و به نظر می‌رسد مانند آنچه که در رابطه با آنفلوآنزا در ایالت نیوهمپشایر رخ داد، با گرم‌تر شدن هوا سرعت ابتلا نیز کاهش یابد. علاوه بر این کاهش نرخ مرگ و میر به کمتر از آنچه اکنون شاهد آن هستیم نیز می‌تواند تأثیر مثبتی بر میزان تقاضا بگذارد. مناطقی که در آنها رشد سریع موارد ابتلا به کرونا دیده نشده است (مانند آمریکا) ممکن است سرایت پایدارتری از کرونا در سطح جامعه را تجربه کنند. همچنین افزایش سطح آگاهی از ویروس کووید-۱۹ و در اختیار داشتن زمان لازم برای ایجاد آمادگی می‌تواند به این مناطق برای مهار رشد موارد ابتلا کمک کند. اگر چه، مجموعه‌هایی که سیستم سلامت ضعیف‌تری دارند می‌توانند شاهد درصد سرایت بیشتری نیز باشند. کاهش تقاضا می‌تواند رشد اقتصاد جهانی را بین ۱/۸ تا ۲/۲ درصد کُند کند در حالی که در ابتدای سال رشد ۲/۵

درصدی برای اقتصاد جهانی پیش‌بینی شده بود. همانگونه که انتظار می‌رود، بخش‌های مختلف با درجه‌های مختلفی از این بیماری متاثر خواهند شد. برخی از بخش‌های اقتصادی نظیر هواپیمایی و گردشگری با کاهش تقاضا مواجه خواهند شد. این میزان افت تقاضا به احتمال فراوان جبران نخواهد شد. در بخش‌های دیگر، اما تاخیر در تقاضاها ایجاد خواهد شد. برای نمونه در بخش کالا-های مصرفی، مشتریان ممکن است با احتیاط بیشتری هزینه کنند چرا که نگرانی‌هایی در مورد همه‌گیری کرونا دارند، اما در نهایت موارد لازم را پس از کاهش نگرانی‌ها در مورد خریداری می‌کنند. این شوک تقاضا - که می‌تواند در برخی از مناطق به دلیل ناتوانی در کنترل ویروس تداوم یابد- به معنای کاهش چشمگیر رشد سالانه خواهد بود. در هر دو سناریوهای اولیه و بدبینانه، علاوه بر کاهش تقاضای مصرف‌کنندگان، شرکت‌ها باید چالش‌هایی که برای زنجیره تامین کالا ایجاد خواهد شد را نیز رصد کنند. هم‌اکنون اغلب شرکت‌هایی که از کارخانه‌های چینی قطعات و کالاهای خود را تامین می‌کنند آگاهی مناسبی از این چالش‌ها دارند و به جای اینکه تصمیم به خارج ساختن زنجیره تامین خود از چین بگیرند، اقدامات باثبات‌سازی را تا زمان فروکش کردن کرونا در پیش گرفته‌اند. در واقع کووید-۱۹ نقش یک تسهیل‌گر را برای شرکت‌ها دارد تا تغییرات بلندمدت و استراتژیکی را برای اعمال در زنجیره تامین بررسی کنند. حفاظت از کارکنان: بحران کووید-۱۹ به لحاظ احساسی برای برخی چالش برانگیز بوده و زندگی روزمره را به نوعی بی‌سابقه دستخوش تغییرات ساخته است. برای شرکت‌ها، تجارت همیشگی دیگر جزو گزینه‌ها نیست. این شرکت‌ها می‌توانند برنامه‌ای را تنظیم و اجرا کنند و به نحوی از کارکنان مجموعه حمایت کنند که در راستای دستورالعمل‌های محتاطانه باشد. تشکیل تیم مقابله با کووید-۱۹: شرکت‌ها باید افرادی را از هر زمینه و تخصص لازمی در این تیم بگمارند. به علاوه در بسیاری از موارد، اعضای تیم باید از نقش‌های روزمره خود چشم‌پوشی کنند و اغلب زمان خود را برای مقابله با ویروس کرونا اختصاص دهند. اصول کاری مشترکی برای اغلب شرکت‌ها وجود دارند که می‌توان به لزوم حفظ سلامت و اموال کارکنان، تست استرس مالی و ایجاد برنامه اضطراری برای مواقع ضروری، نظارت بر زنجیره تامین و پاسخ سریع به بحران، پاسخ مناسب به شوک‌های بازار و افت تقاضا و در نهایت هماهنگی و ارتباط با دیگر حوزه‌های اجرایی اشاره کرد. (آخرین اخبار، ۱۴/۱۲/۱۳۹۸)

پسا کرونا

کرونا حال اگر سلاح بیولوژیک باشد یا نباشد، قطعاً نظم جهانی را تغییر می‌دهد آنهم نه با

سلاح هسته‌ای! کرونا نشان داد که قدرت سلاح هسته‌ای قدیمی شده است! قدرت این روزها به دست علم (بیولوژیک) افتاده است. علمی که به سلاحی علیه بشر تبدیل شده است. زمانی آلمان نازی روی اسیرها صدها آزمایش بیولوژیک انجام می‌داد و همه جهان او را محکوم کردند اما امروز همه جهان قربانی همان آزمایش‌ها شده‌اند. این روزها جوامع از فرزندگان و نخبگان عاری است. زمانی که افلاطون درباره حکمرانی جوامع گفت از فرزندگان و نخبگان استفاده کنید شاید او همچنین روزهایی را می‌دید و شاید باید نظریه‌های ماکیاولی و تزو را کنار می‌گذاشتیم و افلاطونی پیش می‌رفتیم تا بلکه امروز از این حملات بیولوژیک در امان باشیم! در جنگ جهانی دوم همگان گمان می‌کردند که دوره آخرالزمان است. اما پس از این جنگ که کشتار آن را حتی قرون وسطی هم به خود ندیده است، اروپا وارد رشد اقتصادی و صنعتی شد و آنجا بود که نظم جهانی بار دیگر چهره خود را نشان داد، اروپای ستم دیده در دوره کمونیسم و جنگ، چنان با قدرت پیش رفت که امروز عمده کشورهای آن از اقتصاد و سرمایه خوب بهرمندهستند که مثال واضح آن آلمان، فرانسه و انگلیس است که با ظهور اتحادیه اروپا و تشکیل سازمان‌های بین‌المللی کشورهای قاره سبز را به سطح بالا رساندند. اما همین اروپای جنگ زده قربانی کمونیسم که پس از جنگ جهانی دوم خوی استعمارگری خود را کنار گذاشت، امروز کشتی‌های حامل تجهیزات پزشکی را در آنها می‌رباید! و ایالات متحده طلب کمک می‌کند! اقلام بهداشتی و پزشکی با کمبود جدی در جهان مواجه شده است! روی دیگر سخن این است که در جهان پساکرونا به نظر می‌رسد که کشورهای صنعتی با رهبری آمریکا احتمالاً دیگر صنعتی نباشند یا برد با کشوری باشد که اولین واکسن این ویروس را تهیه کند. با توجه به پیشبینی والرشتاین و فرانسیسی فوکویاما با نظریه پایان تاریخ، افول کشورهای صنعتی بعید به نظر نرسد. شاید مانند پسا جنگ جهانی دوم، جهان با یک رکود عظیم اقتصادی رو به رو شود و در این میان با توجه به همان نظریه والرشتاین آیا چین است که جهان را نجات می‌دهد؟ یا جای هژمونی غرب را می‌گیرد؟ در شرایط فعلی تنها چین است که با وجود اینکه کشورش کانون شیوع این ویروس در جهان بود وضعیت خوبی دارد. (والرشتاین، خبرآنلاین، ۱۳۹۹/۱/۷)

فوکویاما در نظریه پایان تاریخ معتقد است: فرضیه تناهی پیشرفت به سوء تفاهم‌هایی جدیدتر منجر شده است. او در دکترین سیاسی خود تمام مشخصات مدرنی را که در واقع مایه زوال و افول تمدن غرب خواهد بود را به عنوان ابزار دوام و استمرار بقاء سرمایه داری بر می‌شمارد. او می‌کوشد با بکارگیری زور این پایان را به تعویق اندازد و با ترسیم چهره‌ای دیگر از این پایان به جای

نگرانی، امید و تحرک ایجاد کند. در خلال سال ۱۹۸۹ میلادی فرانسیس فوکویاما به اصالت دادن به دموکراسی لیبرال به عنوان اندیشه سیاسی اقتصادی در آمریکای شمالی و اروپای غربی، نظریه پایان تاریخ را ارائه داد که بسیار در مجامع علمی و لیبرال آمریکا جنجال به پا کرد.

با اینحال دوره پسا کرونا اندیشمندان و تحلیلگران را به فکر برده است که چه خواهد شد؟ برخی ناظران معتقدند، که جهان به کلی شکل امروزی را از دست خواهد داد، نوع حاکمیت‌ها در معرض خطر و جهان دیگر به شکل کنونی نخواهد بود. برخی می‌گویند آخر الزمان نزدیک است و در انتظار منجی به سر می‌برند. با اینحال غرب تاکنون عاجز از کنترل این بیماری بوده است، اروپا و آمریکا از وضعیت بهداشت و سلامت رضایت خاطر ندارند و عجیب آنکه از غرب تا شرق درباره کرونا لاپوشانی می‌شود. وقتی ترامپ می‌گوید تنها دو هفته آمریکا تعطیل است یعنی زنگ خطر اقتصاد جهان، که ارزش آن بیشتر از جان انسان هاست، وقتی رهبران اروپا به جان هم می‌افتند و یکدیگر را متهم می‌کنند یعنی آن زنگ به صدا درآمده، یا وقتی که ترکیه در سکوت محض است و عربستان خاموش! چه پیامی را می‌رساند؟ حتی آمریکای به ظاهر مهد دموکراسی، دروغ پراکنی می‌کند، مرزهای خود را به روی اروپا می‌بندد! پاسخ شاید این باشد که غرب و قدرت‌های نفتی نمی‌خواهند تجربه جنگ جهانی دوم و جنگ سرد را تجربه کنند، زمانی که سبب زمینی پخته حکم استیک فعلی را داشت! اقتصاد را دریابید، چرخه مرگ و حیات به کار خود ادامه می‌دهد، زاد و ولد شکل می‌گیرد و جهان به مرحله نهایی می‌رسد! شاید هم به قول مذهب اوانجلیکال‌ها: آخرالزمان است و نظریه علمی، پایان تاریخ است! کرونا دو سر دارد یا افول هژمون آمریکا، یا قدرت گرفتن مجدد ایالات متحده، ترامپ پیروان اوانجلیست بسیار دارد که او را ناجی جهان می‌دانند! کسی چه می‌داند؟ آینده نامعلومی در انتظار جهان است! (والرشتاین، خبرآنلاین، ۱۳۹۹/۱/۷)

فدریکا موگرینی؛ چند هفته قبل، هیچ فردی این گزاره را که، مشهودترین روند در عرصه سیاست جهانی عصر ما، "ملی‌گرایی" است به چالش نمی‌کشید. یکجانبه‌گرایی و منطق بازی با حاصل جمع صفر، مسائل عادی و معمول جدید در عصر ما به نظر می‌آمدند. در این راستا، شعارهایی نظیر "برای بردن من، شما باید بازنده باشید" و یا "اول من" تبدیل به گزاره‌هایی عادی شده بودند. اضافه بر این، این عبارات تقریباً با هیچ‌گونه محدودیتی از نظر مسائل جغرافیایی و ایدئولوژیک نیز مواجه نبودند: شما می‌توانستید آنها را در اشکال مختلف بیابید. می‌توانستید آنها را در هر قاره و در هر جهت گیری سیاسی (از جمله جنبش‌های سیاسی مختلفی که فاقد

هرگونه برچسب سیاسی و ایدئولوژیک هستند) و همچنین در طیف گسترده‌ای از سیستم‌های نهادی و حتی در چهارچوب برخی سازمان‌های بین‌المللی نیز بیابید. اپیدمی ویروس کرونا شماری از مسائل را با صدای بلند و واضح به ما گوشزد می‌کند؛

اول، جامعه جهانی موجودیت دارد. آنچه که در دور دست‌ها اتفاق می‌افتد، به طور مستقیم بر اینجا و شرایط فعلی ما تأثیرگذار است (حتی می‌تواند جنبه‌های حیاتی زندگی ما را تحت تأثیر قرار دهد). یک عطسه یا سرفه در یک قاره، تأثیرات مستقیمی را بر دیگر قاره‌ها برجا می‌گذارد. ما به یکدیگر متصل هستیم. ما یک کل واحد را تشکیل می‌دهیم. تمامی تلاش‌ها برای اینکه خطوط مرزی را به مثابه خطوطی جدا کننده در نظر بگیریم و انسان‌ها را بر اساس ملیت، قومیت، جنسیت و یا عقاید مذهبی تقسیم بندی کنیم، معنای خود را با توجه به اینکه بدن‌های ما به طور یکسان در معرض ابتلا به ویروس کرونا هستند (فارغ از اینکه ما چه کسی باشیم)، از دست می‌دهند.

دوم، من به رفاه و سلامت همسایه ام علاقه‌مند هستم. اگر همسایه من مشکلی دارد، این مساله مشکل من نیز است. از این رو، اگر من به خاطر همسایه ام به او توجه نمی‌کنم، بهتر است به خاطر خودم هم که شده به او توجه کنم، زیرا در یک جهان درهم تنیده مثل جهانی که اکنون ما در آن زندگی می‌کنیم، موثرترین راه برای محافظت از خودمان این است که به دیگران و محافظت از آنها نیز توجه کنیم. از این منظر، همبستگی، خودخواهی جدید است (حتی اگر خودخواه هم باشیم، برای خودمان هم که شده باید به دیگران اهمیت دهیم).

سوم، برای مواجهه با ویروس کرونا به پاسخ‌ها و واکنش‌های هماهنگ جهانی، به شدت نیاز است. این مساله نیازمند سرمایه‌گذاری بر روی سازمان‌های چندجانبه بین‌المللی است. اگر از ظرفیت کار جمعی در جهان کنونی غافل شویم باید بدانیم که در مقابل، مجبوریم هزینه‌های سنگینی را بپردازیم.

چهارم، تصمیمات سیاسی مبتنی بر داده‌های علمی، تنها شیوه عقلانی و مفید جهت برون رفت از بحران ویروس کرونا هستند. شواهد و حقایق، تنها مراجع قابل اعتماد ما هستند. خوشبختانه ما هزاران سال است که بر روی علم و دانش سرمایه‌گذاری می‌کنیم. هرگونه انحراف از تصمیماتی که مبتنی بر داده‌های علمی باشند، آن هم تنها به دلیل ملاحظات کوتاه مدت سیاسی و اقتصادی، بسیار خطرناک است.

پنجم، سلامت، یک خیر عمومی است. سلامت یک مساله شخصی و خصوصی نیست. سلامت،

یک خیر عمومی است. سلامت یک مساله شخصی و خصوصی نیست. سلامت از حیث امنیت ملی (و حتی بین‌المللی) و رشد و شکوفایی اقتصادی نیز از اهمیت برخوردار است. به همین منوال، سلامت نیازمند سرمایه‌گذاری دولتی کافی و مداوم و حس مسئولیت‌پذیری دسته جمعی است که هر شهروندی باید خود را متعهد به آن بداند. جلوگیری از شیوع یک بیماری، صرفاً یک مساله الزام آور و حافظ حیات دسته جمعی برای افراد نیست بلکه این موضوع، مشارکتی حیاتی در بقای جوامع و کارکرد درست نهادهای بهداشت و سلامت عمومی و در نهایت، دولت است.

ششم، اقتصاد جهانی برای بقای خود نیاز به انسان‌های سالم دارد. سرمایه‌گذاری روی سلامت عمومی، دانش، و پژوهش، یک سرمایه‌گذاری مهم در اقتصادهای شکوفا و مرفه در سطح جهان است. تولید، مصرف، تجارت و خدمات (به مثابه بنیان‌های نظام اقتصادی ما) نیازمند آن هستند که مردم سالم و امن باشند.

هفتم، نهادهای دموکراتیکی که به خوبی کار کنند، برای زندگی ما به معنای واقعی کلمه حیاتی هستند. ما تا زمانی که خطر از دست دادن چیزها را حس نکنیم، قدر آنها را نمی‌دانیم. شیوه‌ای که سازوکار تصمیم‌سازی، در مواقع بحرانی از خود عملکرد نشان می‌دهد، آزمایش نهایی برای آن است. اگر دموکراسی به پدیده‌ای تبدیل شود که انجام اقدامات موثر و درست را کند یا متوقف کند، استدلال‌ها به نفع نظام‌های اقتدارگرا تقویت شده و قدرت خواهد گرفت. امری که به طور حتم پیامدهای منفی زیادی برای حقوق و آزادی‌های ما خواهد داشت. ایجاد نهادهای دموکراتیک نوعی سرمایه‌گذاری روی سلامت، امنیت، و حقوق و آزادی‌های ماست. (موگرینی، فرارو، ۱۳۹۹/۱/۱۳)

انتقادات به بنیان‌های لیبرال دموکراسی

جان ایکنبری، تئوریسین روابط بین‌الملل: «بحران شیوع کرونا در کوتاه‌مدت به مباحث و جدل‌ها درباره استراتژی بزرگ غرب دامن می‌زند. در پی این بحران، ملی‌گراها، مخالفان جهانی سازی، مخالفان چین و حتی لیبرال‌ها، شواهد جدیدی را برای اثبات ادعاهای خود به دست می‌آورند. با توجه به آسیب‌های اقتصادی و فروپاشی اجتماعی که به مرور در حال نمایان شدن است، همه چیز در راستای تقویت حرکت به سمت ناسیونالیسم، رقابت قدرت‌های بزرگ مانند دوران جنگ سرد و توقف همکاری‌های استراتژیک پیش می‌رود اما ممکن است مانند دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی در قرن گذشته، جریانی متضاد به آهستگی شکل گیرد؛ جریانی هوادار جهانی شدن مانند آن چه فرانکلین روزولت و برخی دیگر از سیاستمداران در دوره قبل از جنگ جهانی دوم و

ابتدای جنگ از آن سخن می‌رانند. سقوط اقتصاد جهانی در دهه ۳۰ قرن گذشته، نشان دهنده میزان ارتباط جوامع مدرن با یکدیگر و نیز چگونگی آسیب‌پذیری آنها در برابر خطری بود که روزولت از آن به عنوان «شیوع» یاد می‌کرد. ایالات متحده بیش از آنکه به وسیله قدرت‌های بزرگ دیگر تهدید شود، از سوی نیروهای درون جریان مدرن تهدید می‌شد. چیزی که روزولت و دیگر همفکرانش به دنبال آن بودند، یک نظم جهانی پس از جنگ بود که نظام بازی را مبتنی بر اشکال جدید حفاظت و ظرفیت‌های مدیریت و وابستگی‌های متقابل ایجاد می‌کرد. ایالات متحده دیگر نمی‌توانست پشت مرزهای خود باقی بماند. با وجود این، حضور در یک نظم جدید پس از جنگ نیز نیازمند ایجاد زیرساختی جهانی برای همکاری‌های چندجانبه بود. در نتیجه، ایالات متحده و سایر دموکراسی‌های غربی این بار نیز احتمالاً از مسیر مشابهی از تبعات بحران کرونا عبور کنند؛ واکنش‌هایی که تحت تأثیر حس آسیب‌پذیری است. این واکنش‌ها در ابتدا ممکن است ملی‌گرایانه‌تر باشد اما در بلندمدت، این دموکراسی‌ها با بیرون‌آمدن از پوسته خود، شکل جدیدی را از جهان‌گرایی عمل‌گرایانه و البته حفاظت‌شده خواهند یافت» (ایسنا، ۱۳۹۹/۱/۷).

استفان والت، پروفیسور دانشگاه هاروارد: «همه‌گیری کرونا دولت‌ها را قدرتمند می‌کند و خون تازه‌ای در رگ‌هایی ناسیونالیسم و هوادارانش به جریان می‌اندازد. انواع حکومت‌ها برای مدیریت و کنترل بحران، دست به اقدامات اضطراری می‌زنند و بسیاری از آنها پس از پایان بحران نیز به بهانه‌های مختلف، تمایلی برای کنار گذاشتن اختیارات جدید و بازگرداندن شرایط به روال عادی نخواهند داشت. ویروس کرونا همچنان انتقال در قدرت و نفوذ از غرب به سوی شرق را افزایش خواهد داد. کره جنوبی و سنگاپور بهترین واکنش را به شیوع ویروس کرونا نشان داده‌اند و واکنش چین هم بعد از اشتباه‌های اولیه و پنهان‌کاری دوماهه، نسبتاً خوب بوده، اما در غرب، از جمله در ایالات متحده و اروپا، واکنش‌ها نسبتاً دیرهنگام، کند و گزینشی بوده و باعث لطمه خوردن به اعتبار «غرب» شده است. تجربه نشان داده آن چه پس از پایان همه‌گیری کرونا تغییر نخواهد کرد، ماهیت متناقض سیاست جهانی است. اپیدمی‌های پیشین مانند شیوع آنفلوانزا در سال‌های ۱۹۱۸، ۱۹۱۹ و پس از پایان جنگ جهانی اول، نتوانستند به رقابت قدرت‌های بزرگ پایان دهند یا شروعی برای دوران تازه‌ی همکاری‌های جهانی باشند. بعید به نظر می‌رسد کرونا هم بتواند چنین تغییری ایجاد کند. از سوی دیگر، شاهد عقب‌نشینی بیشتر از روند جهانی‌سازی خواهیم بود. شهروندان از دولت‌های خود می‌خواهند از آنها محافظت کنند و علاوه بر این، حکومت‌ها و شرکت‌ها نیز در پی کاهش آسیب‌پذیری‌های احتمالی در آینده برمی‌آیند و این به سود جریان-

های ملی‌گرای افراطی خواهد بود. به این ترتیب، در آینده دنیایی کمتر باز، کمتر آزاد و کمتر شکوفا خواهیم داشت. جهان نباید وارد چنین مسیری می‌شد اما ترکیب و پیروسی کشنده، برنامه ریزی‌های ناکافی و نادرست و مدیریت بی‌کفایت، بشریت را در این مسیر آزار دهنده قرار داده است». (ایسنا، ۱۳۹۹/۱/۷)

کرونا و لیبرال دموکراسی‌ها

شیوع جهانی ویروس کرونا، خسارات سنگینی به اقتصاد جهانی وارد آورده است. گفتمان غالب در عرصه اقتصاد جهانی، مبتنی بر آرا و تفکرات لیبرالیسم (و نولیبرالیسم) اقتصادی است که این مساله نیز در خود شاهدهی بر این مدعاست که لیبرال دموکراسی‌ها خسارات سنگینی از شیوع کرونا (نه تنها در بعد مادی بلکه حتی تئوریک) متحمل شده‌اند. گزاره‌هایی نظیر جهانی سازی اقتصادی، تجارت بدون مرز، درهم تنیدگی اقتصادی، آزاد بودن فعالیت‌های اقتصادی (هر فرد می‌تواند در نهایت آزادی به فعالیت اقتصادی مطلوب خود دست بزند)، بنیادهای اقتصادی لیبرال دموکراسی را تشکیل می‌دهند که اکنون همگی به شدت تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. در هم تنیدگی بیش از حد اقتصادی کشورها موجب شده یک عطسه در تهران، پکن، پاریس و یا ژورهانسوبرگ، تاثیر مستقیمی بر اقتصاد کشوری مثل آمریکا بگذارد. در این فضا، یا همه با هم رستگار می‌شوند و یا هیچکس به رستگاری نمی‌رسد. درست در همین راستا شاهدیم که آمریکا کمک‌های خود به سازمان بهداشت جهانی را لغو می‌کند و یا با لغو تحریم‌ها علیه کشورهای نظیر ایران در شرایط کنونی مخالفت می‌کند. لیبرالیسم اقتصادی تاکید می‌کند: «اگر به خاطر خودِ همسایه‌ات به فکر بهبودی او نیستی، حداقل بخاطر خودت هم که شده، برای بهبودی او تلاش کن.» این اصل تاکنون توسط کشورهای طلایه دار لیبرال دموکراسی عملی نشده است. در مورد آزادی فعالیت‌های اقتصادی نیز شاهد بوده‌ایم که در روزهای اخیر اعتراضات گسترده‌ای در کشورهای مختلف نظیر آمریکا و انگلیس برگزار شده که در آن، مردم از مسئولان خواسته‌اند محدودیت‌های قرنطینه‌ای را بردارند و اجازه دهند مردم با رعایت اصول بهداشتی، بار دیگر به فعالیت‌های اقتصادی خود بازگردند. زیرا در غیر اینصورت، با بحران‌هایی جدی در زندگی اقتصادی خود مواجه خواهند شد. هرچه بحران اپیدمی ویروس کرونا طولانی‌تر شود، خسارت لیبرال دموکراسی و نقص آن در مواجهه با بحران زیادت‌ر و آشکارتر خواهد شد. اگر نهادها و تفکرات لیبرال دموکرات در بحبوحه بحران‌ها به کار نیایند، در شرایط آرامش و عدم بحران، وجود آن‌ها بی‌معنی خواهد بود. (فرارو، ۱۳۹۹/۲/۱۵)

نتیجه گیری

به طور کلی می‌توان تاثیرات کرونا بر نظام جهانی را در چارچوب نگرش‌های خوش بینانه، بدبینانه و واقع بینانه مورد بررسی قرار داد. این نگرش با شائبه‌های سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و... مواجه است. گرچه در این نگرش‌ها، تحلیل علمی و آینده پژوهی وجود دارد. به عبارت دیگر علی‌رغم اینکه اکثر تحلیل با اغراض خاصی ارایه شده‌اند، ولی بیانگر برخی واقعیات درباره تاثیرات کرونا بر موضوعات بنیادین سده بیست و یکم از جمله جهانی شدن، سرمایه داری، نوع حکمرانی، ماهیت دولت، دموکراسی و... هستند. این تاثیرات را می‌توان در چارچوب نگرش خوش بینانه، بدبینانه و واقع بینانه مورد بررسی قرار داد؛

خوش بینانه	- علم گرایی - افزایش جایگاه عقلانیت - همبستگی جهانی - انسان گرایی - وابستگی روزافزون جامعه بشری به یکدیگر - اهمیت بیشتر سلامت انسانها - قدرت بیشتر نهادهای دموکراتیک - توطئه گرایی؛ بیوتروریسم
بدبینانه	- زوال لیبرال دموکراسی - گذار از دموکراسی غربی - پایان نظام سرمایه داری - پایانی بر جهانی شدن
واقع بینانه	- افزایش بیشتر اهمیت دولت - لزوم سرمایه گذاری دولتها درباره بهداشت - زوال رشد اقتصادی جهان - سرمایه گذاری جهانی درباره واکنش - واکنش مشترک جامعه جهانی - افزایش اهمیت حکمرانی غیردولتی

منابع فارسی

کتاب

- اسماعیل شفیعی سروستانی، رضا کرمی (۱۳۹۴)، بیوتروریسم، تهران، انتشارات موعود عصر
- حسینی دوست، رضا (۱۳۸۱)، بیوتروریسم و سلاح‌های بیولوژیک، تهران، انتشارات اندیشمند
- دریایی، محمد (۱۳۹۷)، بیوتروریسم در طب غربی، تهران، نشر آرمان رشد
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۱)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، انتشارات سمت
- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۹)، درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰
- محرابی، عارف (۱۳۹۵)، پدافند غیرعامل و مدیریت بحران در مقابله با تهدیدات بیوتروریسم، تهران، انتشارات فانوس دریا

مقالات

- افشین متقی، مراد کاویانی راد، سجاد نجفی (۱۳۹۴)، رابطه امنیت زیست محیطی با امنیت ملی (مطالعه موردی بیوتروریسم)، مجلس و راهبرد شماره ۸۳، پاییز
- سید هادی زرقانی، زهرا نسیمی، امید علی خوارزمی (۱۳۹۷)، بیوتروریسم و تأثیر آن بر امنیت شهروندان، مجله جغرافیای اجتماعی شهری، شماره ۱۳، پاییز و زمستان
- مرادی پشت دربندی، محمدرضا (۱۳۹۵)، بیوتروریسم و راهکارهای مقابله با آن بانگاهی به موازین حقوق بین‌الملل، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره دوم، شماره ۱/۴، زمستان

خبرگزاری

- خبرآنلاین
- روزنامه شرق
- روزنامه دنیای اقتصاد
- روزنامه همدلی و...
- شفقنا
- فرارو
- فارس
- همشهری آنلاین و...